

الغدیر، منادی وحدت

علامه امینی راجع به نقش الغدیر در وحدت اسلامی کاملاً توجه داشته‌اند و برای اینکه از طرف معترضان اعم از آنان که در جبهه مخالف خودنمایی می‌کنند...



علامه امینی راجع به نقش الغدیر در وحدت اسلامی کاملاً توجه داشته‌اند و برای اینکه از طرف معترضان اعم از آنان که در جبهه مخالف خودنمایی می‌کنند و آنهایی که در جبهه موافق خود را جا زده‌اند مورد سوء استفاده واقع نشود، نظر خود را مکرر توضیح داده و روشن کرده‌اند که طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن بینانه بدان می‌نگرند. معظم له در فرصتهای مختلف در مجلدات الغدیر این مسئله را طرح کرده‌اند و ما قسمتی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم.

در مقدمه جلد اول، اشاره کوتاهی می‌کنند به اینکه الغدیر، چه نقشی در جهان اسلام خواهد داشت. می‌گویند: «#171؛ و ما اینهمه را خدمت به دین، و اعلاء کلمه حق، و احیاء امت اسلامی می‌شماریم.»

در جلد سوم، صفحه هفتاد و هفت، پس از نقل اکاذیب ابن تیمیه و آلوسی و قصیمی، مبنی بر اینکه شیعه برخی از اهل بیت را، از قبیل زید بن علی بن الحسین دشمن می‌دارد، تحت عنوان "نقد و اصلاح" می‌گویند: «#171؛ این دروغها و تهمتها تخم فساد را می‌کارد و دشمنیها را میان امت اسلام بر می‌انگیزد و جماعت اسلام را تبدیل به تفرقه می‌نماید و جمع امت را متشتت می‌سازد و با مصالح عامه مسلمین تضاد دارد.»

نیز در جلد سوم، صفحه دویست و شصت و هشت، تهمت سید رشید رضا را به شیعه، مبنی بر اینکه «#171؛ شیعه از هر شکستی که نصیب مسلمین شود خوشحال می‌شود تا آنجا که پیروزی روس را بر مسلمین در ایران جشن گرفتند» نقل می‌کنند، و می‌گویند:

«#171؛ این دروغها ساخته و پرداخته امثال سید محمد رشید رضاست. شیعیان ایران و عراق که قاعدتا مورد این تهمت هستند، و همچنین مستشرقان و سیاحان و نمایندگان ممالک اسلامی و غیر هم، که در ایران و عراق رفت و آمد داشته و دارند خبری از این جریان ندارند. شیعه بلا استثناء، برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی احترام قائل است. هر وقت مصیبتی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است، در غم آنها شریک بوده است. شیعه هرگز اخوت اسلامی را که در قرآن و سنت بدان تصریح شده محدود به جهان تشیع نکرده است. و در این جهت فرقی میان شیعه و سنی قائل نشده است.» علامه امینی در مقدمه جلد پنجم، تحت عنوان "نظریه کریمه" به مناسبت یکی از تقدیر نامه‌هایی که از مصر، درباره الغدیر رسیده است، نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن می‌کنند و جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارند، می‌گویند:

«#171؛ عقاید و آراء درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله «#171؛ انما المؤمنون اخوة» بدان تصریح کرده پاره نمی‌کند، هر چند کار مباحثه علمی و مجادله کلامی و مذهبی به اوج خود برسد، سیره سلف و در رأس آنها صحابه و تابعین همین بوده است.

ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام، با همه اختلافی که در اصول و فروع با یکدیگر داریم، یک جامع مشترک داریم و آن ایمان به خدا و پیامبر خداست. در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکم‌فرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است.»

نقش مثبت الغدیر، در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می‌کند و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع بر خلاف تبلیغات زهر آگین عده‌ای مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است، ثانیاً ثابت می‌کند که پاره‌ای اتهامات به شیعه که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است از قبیل اینکه شیعه غیر مسلمان را بر مسلمان غیر شیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمانان شادمان می‌گردد، و از قبیل اینکه شیعه به جای حج به زیارت ائمه می‌رود، یا در نماز چنین می‌کند و در ازدواج موقت چنان، به کلی بی اساس و دروغ است، ثالثاً شخص شخیص امیرالمؤمنین علی علیه السلام را که مظلوم‌ترین و مجهول‌القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می‌تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود، و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می‌کند.»

سپس استاد مطهری برداشت تعداد زیادی از دانشمندان منصف و بی‌غرض غیر شیعه را هم سو با برداشتی که ذکر شد، می‌دانند؛ از جمله افرادی که شهید مطهری نام می‌برد، محمد عبدالغنی حسن مصری است. محمد عبدالغنی در تقریظ خود بر الغدیر که در مقدمه جلد اول، چاپ دوم، چاپ شده است می‌گوید: «#171؛ از خداوند مسئلت می‌کنم که برکه آب زلال شما را (غدیر در عربی به معنای گودال آب است) سبب صلح و صفا میان دو برادر شیعه و سنی قرار دهد که دست به دست هم داده، بناء امت اسلامی را بسازند.»

شخص دیگری آیت الله مطهری از او اسم می‌برد، عادل غضبان مدیر مجله مصری «#171؛ الكتاب» است، وی در مقدمه جلد سوم الغدیر می‌گوید: «#171؛ این کتاب، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود، و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند.»

سومین شخصی که مطهری به سخن او استناد می‌کند، استاد فلسفه دانشکده اصول دین جامع الأزهر، دکتر محمد غلاب است، او در تقریظی که بر الغدیر نوشته و در مقدمه جلد چهارم چاپ شده است می‌گوید:

«کتاب شما در وقت بسیار مناسبی به دستم رسید، زیرا اکنون مشغول جمع آوری و تألیف کتابی درباره زندگی مسلمین از جوانب مختلف هستیم، لهذا خیلی مایلیم که اطلاعات صحیحی درباره شیعه امامیه داشته باشیم. کتاب شما به من کمک خواهد کرد و من دیگر مانند دیگران درباره شیعه اشتباه نخواهم کرد.«

اذعان دکتر عبدالرحمان کیالی حلبی، گواه دیگر استاد مطهری در اثبات نظرشان است، او در تقریظ خود که در مقدمه جلد چهارم الغدیر چاپ شده، پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر، و اینکه چه عواملی می‌تواند مسلمین را نجات دهد، و پس از اشاره به اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است، می‌گوید: «کتاب الغدیر و محتویات غنی آن، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده‌اند، و حقیقت کجاست. ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم.«

با توجه به نظر استاد مطهری و شواهدی که ایشان از اندیشمندان مسلمان غیر شیعه ذکر کرد، به خوبی روشن می‌شود که یکی از رسالت‌های کتاب گرانسنگ الغدیر، دعوت به تقریب و وحدت مسلمین است. از همین رو از علامه امینی باید به عنوان مصلح نام برد. مصلحی که در راه اصلاح بسیاری از سختی‌ها و ناملایمات را تحمل کرد. آری آن بود وجه نظر علامه امینی درباره مسئله مهم اجتماعی عصر ما، و این است عکس العمل نیکوی آن در جهان اسلام.